The Rights of Delinquent Children and Adolescents in Iran: An Analysis of Four Determining Areas

Maryam Sha'ban[1],
Seyed Mohammad Hosseini[2]

Abstract

This study seeks to investigate how four main areas of reference in Iran and the world are exposed to child delinquent. Therefore, four main areas of reference were identified that include Iranian legal regulations, Islamic religion, the Convention on the Rights of the Child in Islam and the Convention on the Rights of the Child; Then they were analyzed with a qualitative approach and documentary analysis method. The results show that exposure to delinquent children is approximately the same in all four domains. Although the three areas related to Iran and the Islamic world have been centered on Law of Religion, especially Shi'ism, their roots lie in Islamic religion, and against them the Convention on the Rights of the Child as an international matter has been drafted based on the Declaration of Human Rights and the belief in Humanism, but they work very closely on how to deal with child guilty and there are no significant differences between their procedures. Therefore, all four domains regard the child as having no precise decision-making power and consider his/her delinquency a common "mistake" in his/her development. The child should be forgiven as much as possible and his/her error should be ignored; this should also have a corrective and re-interactional aspect to be done within the child's family by the child's parents or legal guardians. Unless child guilty is limited, such as harm to others, which has resulted in violations of the rights of others, all three areas emphasize efforts to minimize penalties and

1. PhD of Sociology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: m.shaban@ut.ac.ir

2. Master of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.

Original Article Received: 19 Jun 2020 Accepted: 19 Oct 2020

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

impose penalties for reform and resocialization. the only point of difference is in the definition of the child and the age range that makes the subject different in applying the rules related to child delinquency.

Keywords

Child delinquency, Children and Adolescents' Rights, Iranian society, Islamic world, world community

Please cite this article as: Sha’ban M, Hosseini M. The Rights of Delinquent Children and Adolescents in Iran: An Analysis of Four Determining Areas. Child Rights J 2020; 2(7): 31-59.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

حقوق کودکان و نوجوانان بزهکار در ایران: تحلیل چهار حوزه تعیّن‌بخش

مریم شعبان[۱]

سید محمد حسینی[۲]

چکیده

پژوهش حاضر، به دنبال مطالعه نحوه مواجهه چهار حوزه اصلی و مرجع در ایران و جهان با بزهکاری کودکان و نوجوانان است. در گام اول پژوهش، چهار حوزه اصلی و مرجع، شناسایی شدند که شامل قوانین و مقررات ایران، احکام دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک، هستند و سپس با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی مورد تحلیل و مداقه قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار، در هر چهار حوزه تقریباً یکسان است. هر چند که سه حوزه مرتبط با ایران و جهان اسلام، با محوریت شریعت اسلام بخصوص تشیع مطرح شده‌اند و ریشه‌های آنها در دین اسلام نهفته است؛ و در برابر آنها کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک امر بین‌المللی بر اساس اعلامیه حقوق بشر و باور به اومانیسم تدوین شده است؛ اما در رابطه با چگونگی مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان، بسیار نزدیک عمل می‌کنند و نقاط اختلاف معناداری در بین رویه‌های آنها نیست. هر چهار حوزه، کودک را فاقد قدرت تصمیم‌گیری دقیق برای عمل دانسته و بزهکاری او را در قالب یک «خطا»ی معمول در جریان رشد او می‌پندارند. تا حد امکان کودک باید بخشیده شده و خطای او نادیده گرفته شود؛ انجام این عمل نیز جنبه اصلاحی و بازجامعه-پذیری دارد که باید در درون خانواده کودک و توسط والدین و یا سرپرستان قانونی کودک صورت پذیرد. در صورتی که بزهکاری کودک محدود نباشد، مثل صدمه به غیر، که نقض حقوق

---

۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: m.shaban@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۹/۰۳/۳۰ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

دیگران را به دنبال داشته، هر سه حوزه، تلاش برای حداقل مجازات و تعیین مجازات در راستای اصلاح و بازجامعه‌پذیری را تأکید می‌کنند. تنها نقطه ایجاد تفاوت در تعریف کودک و بازه سنی آن است که مخاطبان اجرای قواعد مربوط به مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان را متفاوت می‌کند.

واژگان کلیدی

بزهکاری کودکان، حقوق کودکان و نوجوانان، جامعه ایران، جهان اسلام، جامعه جهانی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مقدمه

کودکی یکی از مهمترین دوران‌های زندگی بشر است. در این دوران است که مبناهای شخصیتی، روحی و حتی جسمی شکل می‌گیرد و از آن پس، در کل دوران زندگی انسان اثرگذار می‌شود. هر جامعه‌ای در رابطه با کودکان، استراتژی‌ها، سیاست‌ها و مبانی حقوقی و قانونی مختص زمینه و بسترهای خود را دارد. عموماً جوامع توسعه-یافته و پیشرفته، دوران کودکی را یک نقطه عطف برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در جهت تربیت و پرورش نیروی انسانی مؤثر و با کیفیت، مورد نظر دارند.

مهمترین نمود هر جامعه در رابطه با وضعیت کودکان، ساختار حقوقی (Rights، شامل ساختار رسمی و غیر رسمی) آن است. زمانی که ساختار حقوقی یک جامعه، مبهم، ناشناخته، نامنسجم، حداقلی و یا جدا از بستر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی همان جامعه در طول تاریخ باشد، بیانگر وضعیت نامناسب کودکان در آن جامعه است. این امر، در سطح کلان نیز نمایانگر عدم تمرکز جامعه بر توسعه انسانی پایدار است و می‌تواند هشداری برای مدیران و سیاستگذاران آن جامعه در رابطه با پیشرفت و توسعه جامعه باشد. در نتیجه یکی از گام‌های مهم در راستای پیشرفت جامعه، توجه به وضعیت کودکان، برنامه‌ریزی برای آن‌ها و ارزیابی عملکرد در سطوح ساختاری کلان و سطح خرد و کنشگری برای بهبود روزافزون وضعیت کودکان است.

بزهکاری، همواره در بین کودکان و نوجوانان وجود داشته است اما از اواخر قرن نوزدهم میلادی، تخلف و قانون‌شکنی این قشر جامعه در کشورهای بزرگ، توجه‌ها را به خود جلب نمود. مفهوم بزهکاری در اوایل قرن بیستم میلادی شکل گرفت؛ همچنین پیامدِ تغییرات نظری در عرصه جرم و بزهکاری، گام‌هایی در جهت کاهش مسئولیت کودکان در قوانین جزایی برداشته شد و با ایجاد دسته‌بندی مجزا برای بزهکاری، از بزهکاران در برابر تأثیر منفی مجرمان بزرگسال حمایت گردید (۲،۱).

لازم به توجه است که بزهکاری کودکان و نوجوانان هزینه‌های بسیار سنگین و خسارت‌های قابل توجهی برای جامعه دارد و درک پیامدهای آن در آینده، جامعه را ملزم به پیشگیری و کنترل چنین رخدادی می‌کند. در جامعه ایران نیز بزهکاری

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

کودکان و نوجوانان در طول تاریخ وجود داشته و اجتماع نیز اقدامات و سیاست‌های متنوعی در رابطه با پیشگیری و کنترل بزهکاری انجام داده است. اما در فاز تحقیقاتی، تاکنون پژوهش و مطالعه‌ای منسجم که بیانگر ماهیت و ابعاد حقوقی کودکان بزهکار و حقوق جزایی کودکان و نوجوانان در ایران باشد، انجام نشده است و یا اینکه در سطح حداقلی با بررسی یک حق صورت گرفته‌اند.

البته پیرامون دیگر ابعاد بزهکاری کودکان، پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند. پژوهش‌هایی که در ایران و جوامع مختلف با رویکردهای جامعه‌شناسی، حقوق، مددکاری اجتماعی، روانشناسی و... انجام شده‌اند. اما جستجوی نویسندگان برای یافتن پژوهشی که بر تحلیل «حقوق کودکان بزهکار و حقوق جزایی کودکان و نوجوانان در ایران» متمرکز باشد بی‌نتیجه ماند. لذا در این پژوهش، به دنبال تحلیل مقایسه‌ای مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان در چهار عرصه تعیین‌کننده یعنی قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک هستیم.

مفاهیم حساس پژوهش

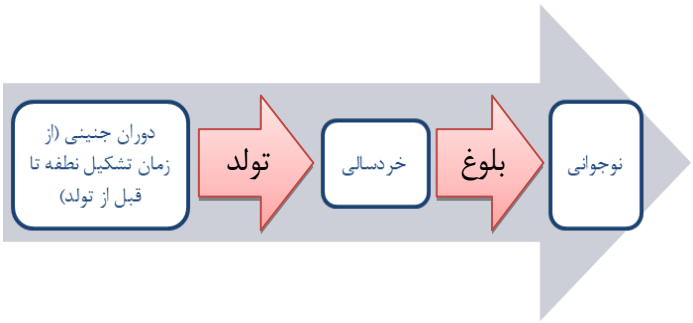
۱ـ کودک

تعیین محدوده‌ی زمانی و سنی، یکی از مهمترین گام‌ها می‌باشد که نه تنها تعیین-کننده‌ی گروه هدف و مخاطبان است، بلکه، چیستی و چگونگی کودکی و حقوق کودک را نیز تعیین می‌کند. کودک در اسناد بین‌المللی بخصوص پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، بر اساس ماده ۱، به معنی هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال است؛ بازه زمانی کودکی نیز، از بدو تولد تا قبل از ۱۸ سال تمام (بر مبنای تقویم رسمی هر کشور) است. کودک در جامعه‌ی ایران و نظام اسلامی عبارت است از، هر فرد انسانی از زمان تشکیل نطفه تا قبل از ۱۸ سالگی تمام قمری؛ بازه زمانی کودکی در معنای عام نیز، از زمان تشکیل نطفه تا ۱۸ سالگی است؛ هر چند که این بازه، شامل مرحله‌ی اول یا دوران جنینی،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مرحله دوم یا خردسالی و مرحله‌ی سوم، یا نوجوانی می‌گردد؛ اما بر اساس شرایط حقوقی- قانونی و مسئولیت‌های اجتماعی، کودکی تا ۱۸ سالگی تمام، ادامه دارد. بنابراین، کودکی شامل سه بخش جنینی، خردسالی و نوجوانی می‌گردد؛ که هر سه در برابر دیگری خود، یعنی بزرگسالی قرار می‌گیرند؛ هر سه مرحله‌ی کودکی با نگاه نسبی‌گرایانه، تعریف می‌شوند و دارای حقوقی مختص خود می‌باشند اما در کل، روح حقوق حاکم بر سه دوره در ذیل فضای کلی کودکی، یکسان است و شامل عدم مسئولیت جدّی و قطعی، نیاز به حمایت و سهل‌گیری است. علاوه بر این دو موضوع «تولد» و «بلوغ» دو گلوگاه مهم در کودکی به شمار می‌روند که عرصه‌ی کودکی را به سه مرحله تقسیم می‌کنند (۳).

مریم شعبان، سید محمد حسینی



۲ـ بزهکاری

بزه، عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات و معیارهای ارزشی فرهنگ هر جامعه باشد، در آن جامعه، بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین عمل خلافی شوند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند. با وجود این در کتب جرم‌شناسی، بزهکار به کسی گفته می‌شود که متهم به ارتکاب رفتار ضداجتماعی و یا قانون‌شکنی است، ولی به علت آنکه به سن قانونی(معمولا هجده سالگی) نرسیده است، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی‌شود. ممکن است بزهکاری یک نوجوان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مقدمه‌ای برای یک جنایت باشد؛ اما قلمرو بزه و جرم متفاوت است، زیرا برخی بزه‌ها جرم تلقی نمی‌شوند. گاهی فرد بزهکار به‌طور کلی فردی سرکش و ضداجتماع است و مرتکب اعمالی می‌گردد که اگر بزرگسال مرتکب شود، مجرم شناخته نمی‌شود؛ مثل فرار از خانه، تخریب اموال و ... . هر چند بزرگسالان نیز می‌توانند همچون نوجوانان بزهکاری کنند؛ اما بزهکاری نوجوانان نسبت به جرایم بزرگسالان در تمام دنیا تقریبا محدود می‌باشد (۱،۲).

روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی و روش تحقیق نیز تحلیل اسنادی می‌باشد. محقق، برای پاسخگویی به مسأله و پرسش‌های پژوهش، اقدام به شناسایی، گزینش، مطالعه و تحلیل اسناد و اطلاعات موجود نموده و سپس آنها را مورد تحلیل نهایی قرار داده است. همگام با مراحل مذکور به مقایسه چهار حوزه‌ی قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک پرداخته و در نهایت استنباط جامعه‌شناختی خود را ارائه نموده است.

تحلیل اطلاعات گردآوری شده

در این گام از پژوهش، ابتدا با رویه‌ی اکتشافی به جستجوی اسناد اصلی و «مرجع» که تعیین‌کننده نحوه‌ی مواجهه با بزهکاری کودکان در ایران و جهان هستند پرداختیم. نتایج این جستجو نشان دادند که، این سیاست‌های مرجع در ایران شامل، قوانین و مقررات ایران و دین اسلام هستند که شریعت اسلام و میثاق حقوق کودک در اسلام نیز اسناد مرجع در «جهان اسلام» می‌باشند. همچنین، کنوانسیون حقوق کودک سیاستگذاری مرجع در سطح بین‌المللی یا «جامعه‌ی جهانی» است (۴).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

بزهکاری کودکان در قوانین و مقررات ایران

ماهیت سیاست‌ها و نحوه برخورد عدالت کیفری در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار که در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت قرار دارند بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، حقوق کیفری در دو عرصه صورت و محتوا به نحوه واکنش به بزهکاری کودکان و نوجوانان توجه کرده است تا بستری برای بازپروری، حفاظت و حمایت در رشد و پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان بزهکار و بازپروری رفتار آنها را فراهم آورد. قوانین جدید جزایی بر پایه فرض مسئولیت بنا شده‌اند. اصل مسئولیت بدین معنی است که افراد در صورتی مسئول اعمال و رفتار خود هستند که قدرت شعور و قوه‌ی تمییز برای شناخت و تشخیص خیر از شرّ را داشته باشند و اگر فردی چنین قدرتی نداشته باشد از مسئولیت جزایی معاف است و مجازات نمی‌شود. کودکان نیز به دلیل این که فاقد قوه تشخیص و تمییز هستند از مسئولیت مبرّی و از مجازات معاف می‌باشند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ه.ش، در ماده ۲ مقرر می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» ماده فوق جرم را تعریف می‌کند و برای آنکه رفتاری جرم تلقی شود وجود سه عنصر لازم است ۱- عنصر قانونی یعنی وصف مجرمانه که باید به تعیین قانون باشد، ۲- عنصر معنوی که در آن رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد، ۳- عنصر مادی شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه. (۵) این عناصر جنبه عمومی دارند که تحقق آنها در همه جرایم ضروری است. با تحقّق موارد فوق، شخص، مجرم شناخته می‌شود و عمل او قابل مجازات خواهد بود.

ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجونان ۱۳۹۲، «نقض قوانین جزایی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان» را وضعیت مخاطره آمیز محسوب کرده است که موجبات مداخله و حمایت قانونی را فراهم می‌آورد. کودک بزهکار در حقّوق ایران کسی است که «مرتکب عملی می‌گردد که قانون یا شرع ارتکاب آن را منع کرده است و یا ترک عملی که انجام آن را واجب و لازم دانسته است.» چنین شخصی در اسلام

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

گناهکار و مجرم شناخته می‌شود و باید مجازات شود. اگر برای جرمش حکم مشخصی وجود نداشته باشد به دستور حاکم شرع و مجتهد جامع‌الشرایط و مرجع صلاحیت‌دار تأدیب و تعزیر می‌شود اما با توجه به این مطلب که فرض مسئولیت قانونی پذیرفته شده است و نیز با توجه به اینکه یکی از شرایط مسئولیت قانونی آن است که شخص به سن مناسب رسیده باشد بنابراین، کودکان به خاطر فقدان درک، شعور و تمییز کامل، معاف از مجازات می‌باشند. قوانین جزایی ایران پیرو ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش، بیان می‌دارد «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.» مهم‌ترین مبنای فکری این موضوع، باور به این است که کودکان بی‌تجربه، کم‌خرد و نادان هستند و در مقابل «دیگریِ» خود یعنی بزرگسالان باتجربه، عاقل و دانا، قرار می‌گیرند.

در نظام حقوق کیفری ایران وفق ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش، سن مسئولیت کیفری سن بلوغ است که در مورد پسران ۱۵ سال و در مورد دختران ۹ سال تمام است که همان سن بلوغ می‌باشد. بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات ۱۳۹۲، سن اطفال و نوجوانان که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند ۹ تا ۱۵ سال شمسی است که در مورد سال خورشیدی ارقام یاد شده هشت سال و نه ماه خورشیدی برای دختران و چهارده سال و هفت ماه خورشیدی برای پسران است.» (۵) از این‌رو در هنگام ارتکاب جرائم تعزیری توسط اطفال و نوجوانانی که سن آن‌ها ۹ تا ۱۵ سال شمسی است تصمیمات جزایی اعم از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی قانوناً به طور مساوی مطرح است و از ۹ سال تا ۱۵ سال ارتکاب جرائم کودکان و نوجوانان قانوناً مشمول تصمیم‌هایی است که در ماهیت، اقدامات تربیتی و تأمینی در جهت پیشگیری و انطباق اجتماعی فرهنگی کودکان و نوجوانان هستند.

یکی از موارد مهم در رابطه با بزهکاری کودکان، «سن مسئولیت کیفری» است. سن مسئولیت کیفری، در سیستم جزایی کشورها به طور یکسان پیش‌بینی نشده و هر کشور با توجه به وضعیت خاص اجتماعی، آداب‌ورسوم ملی و مذهبی، آب‌وهوا و عوامل دیگر مؤثر در قضیه، حدود سنی مشخصی را در نظر گرفته و به موجب یک ماده قانونی تا آن سن، کودکان را فاقد شعور و قوه تمییز فرض و آن‌ها را از مسئولیت اعمال خود

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مبرّا می‌شناسند؛ برای همین، عمل آن‌ها هر چند مجرمانه باشد قابل مجازات نیست. بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش، در مورد جرائم موجب حد یا قصاص، افراد نابالغ دارای سن ۱۲ تا ۱۵ سال نیز مورد اشاره هستند. مطابق نظریه شماره ۷/۹۷/۱۹۷- ۱۳۹۴/۱/۲۹ه.ش اداره حقوقی قوه قضاییه؛ «چون دختر بیش از ۹ سال، بالغ محسوب می‌شود لیکن ذیل تبصره (ماده فوق)، شامل دخترانی است که به سن بلوغ نرسیده‌اند و نیز پسرانی که کمتر از ۱۲ سال سن دارند و مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص می‌شوند»؛ همچنانکه بر اساس نظریه شماره ۷/۹۳/۱۱- ۱۳۹۳/۱/۱۶ اداره حقّوقی قوه قضاییه «تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش، که اشاره به نابالغ ۱۲ تا ۱۵ سال قمری دارد، فقط ناظر بر پسران است». بنابراین به نظر می‌رسد لزوم بازنگری در قابل حد یا قصاص دانستن جرائم ارتکابی دختر ۹ تا ۱۵ سال تا اندازه زیادی از پیدایش چالش‌های قضایی در این خصوص پیشگیری نماید.

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش، در مورد نوجوانانی است که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در هنگام ارتکاب جرم، ۱۵ تا ۱۸سال شمسی است. بر اساس مواد ۱۴۸، ۸۸ و ۸۹ قانون مذکور، رویکرد مقنن ایران در دسته‌بندی سن اطفال و نوجوانان به صورت بالغان بزهکار زیر ۱۸ سال که نوجوان به شمار می‌آیند و کودک یا نابالغان تدوین شده است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ در ماده یک در تعریف طفل مقرر داشته است: «هرفردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است» و نوجوان را «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است» می‌داند؛ و تمامی افرادی که به سن هجده سال تمام نرسیده باشند مشمول این قانون هستند (ماده ۲).

قانون‌گذار ایران برای نظام‌مندکردن حقوق کودکان، دادگاه اطفال و نوجوانان را مطابق ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری۱۳۹۴/۰۳/۲۴، در کنار سایر دادگاه‌ها پیش‌بینی نموده است. ساختار دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴و تبصره آن متشکل از یک قاضی و دو مشاور است که نظر

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مشاوران برای قاضی دادگاه جنبه اقناعی دارد و نه الزامی. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴، در تبصره ۱ ماده ۳۰۴ طفل را کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، معرفی کرده است. بر اساس ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ه.ش، و ماده ۳۰۴ آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۸ سال تمام شمسی نیز در صلاحیت دادگاه اطفال است. ملاک تعیین صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است. بر این اساس مطابق تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴، رسیدگی به جرم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان مستلزم آن است که سن آن‌ها از زمان ارتکاب جرم تا قبل از شروع به رسیدگی از هجده سال تمام تجاوز ننماید. چنانچه رسیدگی به اتهام افراد قبل از شروع رسیدگی به اتهام از هجده سال تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام، حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد که در این حالت، متهم از کلیه امور غیرحرفه‌ای مقرر در دادگاه اطفال و نوجوانان بهره‌مند می‌شود. همچنین اگر سن متهم حین رسیدگی از هجده سال تجاوز نماید، رسیدگی به جرم وی در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. همچنین مطابق ماده ۳۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه اطفال و نوجوانان، به جرائمی که یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت بزرگسالان مرتکب شده‌اند یا در ارتکاب جرمی با بزرگسالان معاونت داشته باشند یا بزرگسالی، یک یا چند طفل یا نوجوان را در ارتکاب جرم معاونت کند، رسیدگی می‌نماید. همچنین در جرائمی که تحقّق آنها منوط به فعل دو یا چند نفر است که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال است، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و مطابق تبصره ۲ ماده ۳۱۲ قانون فوق، اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم افراد بالای ۱۸ سال بر اساس قواعد عمومی صورت خواهد گرفت. باید توجه داشت که مطابق ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، ساختار و تشکیلات مناسب جهت ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها با تشخیص رئیس قوه قضائیه، در حوزه‌های قضائی شهرستان و تحت نظر دادستان و مطابق قانون فوق صورت می‌گیرد. مطابق تبصره ماده فوق در صورتی که در حوزه قضائی شهرستان، تشکیلات

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

موضوع این ماده ایجاد نشده باشد، وظایف مقرر، تحت نظارت دادستان و توسط دادیار آموزش دیده در حوزه اطفال و نوجوانان و در حوزه قضائی بخش‌ها با نظارت رئیس حوزه قضائی انجام می‌شود.

در خصوص رسیدگی و تدابیر حمایت اطفال و نوجوانان وفق ماده ۲۸ قانون فوق «رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و به تناسب امکانات، ضرورت، تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضائی شعبی از دادسرا و دادگاه کیفری و دادگاه خانواده را جهت رسیدگی به جرائم و دعاوی موضوع این قانون اختصاص خواهد داد. اختصاص این شعب مانع رسیدگی به سایر پرونده‌ها نیست.» مطابق ماده ۲۹ این قانون، تحقیق و رسیدگی به وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع این قانون جز در مواردی که در صلاحیت دادگاه کیفری است در «دادگاه خانواده و با ارائه گزارش مددکاراجتماعی بهزیستی با واحد حمایت دادگستری و حضور مددکاراجتماعی انجام می‌شود؛ این امر مانع از انجام تحقیقات دادگاه نخواهد بود.»

قانونگذار در خصوص دادسرای ویژه نوجوانان مطابق ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ه.ش، مقرر داشته است: «در معیّت دادگاه اطفال و نوجوانان در محل آن شعبه‌ای از دادسرای عمومی با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل شود ... .» بر اساس ماده فوق، تحقّیقات مقدماتی کلیه جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال بجز جرائم (موضوع مواد ۳۶۰ و ۳۰۴) زنا، لواط، جرائم منافی عفت و جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ این قانون به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرند و به دادسرا می‌روند. روند تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم افراد زیر ۱۵سال پیرو تبصره ۱ ماده ۲۸۵ به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. ضابطین دادگستری در جرائم مشهود ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان، مطابق تبصره ۲ ماده فوق، اجازه تحقّیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و مکلف‌اند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم و دلایل جرم، اقدام نمایند و در صورت دستگیری متهم، او را به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. ماده ۲۸۶ قانون فوق نیز موارد الزامی تشکیل پرونده اشخاص در دادسرا یا دادگاه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی کرده است که نسبت به جرائم تعزیری درجه پنج و شش، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی می‌باشد.

مطابق بند (ب) ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف است در موارد مراجعه یا معرفی کودکان دارای وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون به نیروی انتظامی یا مواجه‌شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان، نسبت به شناسایی آنها اقدام کنند و حسب مورد برای معرفی آنها به سازمان بهزیستی کشور یا مراجع قضائی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط اقدام کنند. ثانیاً، در مأموریت‌های مرتبط با مددکاران اجتماعی و در هنگام انجام وظایف محوله در اجرای این قانون توسط نیروی انتظامی، حسب تقاضا جهت تأمین امنیت آنان و نیز اطفال و نوجوانان موضوع مأموریت، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد. همچنین، نیروی انتظامی موظف است وضعیت‌های مخاطره آمیز علیه اطفال و نوجوانان بزه‌دیده را حسب مورد به مراجع ذی صلاح قضائی و سازمان بهزیستی کشور گزارش دهد. افراد مجاز به حضور در جلسه رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ه.ش شامل والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آن‌ها در تحقیقات مقدماتی جلب شده است، شهود و مطلعان، مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی هستند و افراد دیگر باید با موافقت دادگاه حضور یابند. پیرامون موارد الزام وکیل در دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲؛ «در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعین کند...» و نیز در اصل ۳۵ قانون اساسی تصریح شده است که «در همه‌ی دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» (۶) بنابراین، چنانچه به هر علت برای کودک یا نوجوان، وکیل تعیین نگردد و یا در صورت حضور نیافتن وکیل بدون عذر موجه در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌گردد.

ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲، اشاره کرده است که «آراء صادره از دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال قابل تجدید نظر می‌باشند». شیوه اعتراض به آرای صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان در ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ه.ش، نمود یافته و مبین آن است که مرجع رسیدگی به کلیه آرای صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان در جرائم اطفال و نوجوانان در شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که با شرایط مقرر قانونی و ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. کلیه آرای صادره از دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان در جرائم اطفال و نوجوانان نیز در دیوان عالی کشور قابل فرجام‌خواهی است. ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ه.ش، نیز مقرر می‌دارد «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره ۱ ماده ۳۰۱ این قانون اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید، رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.»

با توجه به اینکه هدف اصلی اقداماتی که در مورد بزهکاری کودکان صورت می‌گیرد اصلاح، تربیت و جامعه‌پذیری مجدد آن‌ها برای زندگی اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرائم بزرگ‌تر و خطرناک‌تر در آینده است، این مرحله دارای اهمیت اساسی است. همان‌طور که مجازات‌های سخت و شدید می‌توانند از نظر عاطفی و روانی مخرب باشند سهل‌انگاری و ملایمت بی‌جا نیز تأثیری زیان‌بخش دارد. به همین دلیل لازم است که واکنش جامعه در مقابل کودک بزهکار به طور نسبی ملایم باشد یعنی تخلف ساده باید واکنش ساده و تخلف خطرناک باید واکنشی شدیدتر داشته باشد. مجازات‌هایی که در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار برای بزهکاران نابالغ پیش‌بینی شده است در مقایسه با مجازات افراد بالغ، سبک‌تر و ملایم‌تر است و حتی مقنن از ذکر اصطلاح حکم صرف-نظر کرده و به جای آن از اصطلاح «تصمیمات» استفاده کرده است. در شرایط کنونی در رابطه با اطفال بزهکار، دو نوع «تصمیم» وجود دارد. ۱- تصمیم‌هایی که بر طبق

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

تشکیل دادگاه اطفال در محل‌هایی که دارای کانون اصلاح و تربیت است اجرا می‌شوند. ۲- یک دسته دیگر تصمیم‌هایی که مخصوص شهرهای فاقد کانون اصلاح و تربیت است.

ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در مورد تعریف کانون اصلاح و تربیت مقرر می‌دارد؛ «کانون اصلاح و تربیت اماکنی هستند که برای نگهداری اطفال و نوجوانان موضوع این قانون، توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند و یا ایجاد می‌شوند». ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور۱۳۸۴ه.ش، در تعریف کانون اصلاح و تربیت بیان می‌دارد «کانون اصلاح و تربیت، مرکزی است که اطفال بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند».

بر اساس ماده ۵۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «قضات دادگاه اطفال و نوجوانان، مکلف‌اند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آن‌ها حداقل هرماه یک‌بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به عمل آورند.» قاضی دادگاه اطفال باید با کودک بزهکاری که به مؤسسات خاص تربیتی فرستاده می‌شود در تماس مداوم باشد تا از میزان پیشرفت این مؤسسات در اصلاح حال کودک، اطلاع حاصل کند و به هنگام ضرورت تصمیم‌های قبلی خود را تغییر دهد، به طوری که تصمیمات اجرایی با نیازها و شرایط خاص کودک بزهکار در هر زمان، هماهنگی و مطابقت داشته باشد. قاضی اطفال بزهکار می‌تواند با توجه به اطلاعاتی که به طور شخصی و در جریان بازدید از کانون کسب می‌کند و گزارش‌هایی که از وضع کودکان به دست او می‌رسد در تصمیمات خود تجدید نظر کند.

بر اساس در ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف هستند: «۱ -نسبت به نگهداری جداگانه اطفال از نوجوانان و سایر زندانیان اقدام کند. ۲ -اطلاعات اطفال و نوجوانانی را که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شوند یا مدت مراقبت آنان تمام شده است و نیازمند

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

حمایت هستند، جهت انجام اقدامات حمایتی به سازمان بهزیستی کشور اعلام کند. ۳ - اطفال و نوجوانانی را که پدر یا مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می برند، به سازمان بهزیستی کشور معرفی کرده تا برابر مقررات، طفل یا نوجوان نیازمند را حمایت کند.»

مطابق ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲ه.ش، «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک‌بار در رأی خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد و یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید.» ماده ۹۳ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید». پیرو نظریه اداره حقوقی، «تخفیف مقرر در ماده ۹۳ مربوط به زمان صدور حکم و شامل همه مجازات‌ها است و آنچه در ماده ۹۰ آمده مربوط به بعد از صدور رأی، در مرحله اجرای حکم و ناظر به تقلیل مدت نگهداری در کانون یا تبدیل آن به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی اوست». ماده ۵۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه بر حسب گزارش مدیران کانون، رفتار و اخلاق طفل یا نوجوان، موجب فساد اخلاق اطفال و یا نوجوانان دیگر گردد، در صورت احراز موضوع توسط قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان و به دستور او، طفل یا نوجوان مذکور در محل دیگری در همان قسمت نگهداری می‌شود و پس از اصلاح اخلاق و رفتارش با دستور دادگاه به محل قبلی بازگردانده می‌شود». البته، ماده ۵ آیین نامه کانون اصلاح و تربیت، مقرر داشته که به بزهکاران زیر ۱۸ سال که مدت زمان سلب آزادی آن‌ها حداکثر یک سال است اختصاص دارد و بر اساس ماده ۶ آیین‌نامه فوق، بزهکارانی که مدت محکومیت سلب آزادی آن‌ها بیش از یک سال معین شده باشد به قسمت زندان این نهاد فرستاده می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست طبقه‌بندی کودکان و نوجوانان با توجه به شدت رفتار آن‌ها در حالت خطرناک و مجرمانه بودن است که محکومیت سلب آزادی را به همراه دارد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

پاسخ‌های سالب آزادی آن دسته از ضمانت اجراهای حقوق کیفری هستند که آزادی کودکان و نوجوانان بزهکار را برای یک دوره معین سلب می‌کنند (۴). این پاسخ-ها باید جنبه اصلاحی، درمانی و بازدارندگی داشته باشد (۷). علاوه بر پیش بینی کانون اصلاح و تربیت، تدابیر سلب آزادی کودکان و نوجوانان در پایان هفته و کار در منزل مطابق تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج در نظر گرفته شده است. بر مبنای تبصره ماده فوق: «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی... به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند و یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد». در این صورت بزهکار کودک یا نوجوان مطابق نظر مقام قضایی و شخصیت بزهکار به اقامت اجباری در منزل طی مدت معین شده توسط دادگاه و یا در پایان هفته در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شود. باید توجه داشت که تبصره مذکور در چهارچوب ماده ۸۹ صرفاً برای کودکان و نوجوانان بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است. علاوه بر این وفق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آن‌ها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات-های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. تبصره: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند استفاده کند».

روش اصلاحی قابل توجه دیگر نظام نیمه آزادی برای کودک و نوجوان است که مطابق ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه-آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود». در این روش بزهکار مدتی از دوران حبس را در بیرون از زندان و در کانون

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

اصلاح و تربیت و زیر نظر تشکیلات زندان بمنظور انجام فعالیت‌های آموزشی، حرفه آموزی، و یا ساختمان سازی در برابر دریافت بخشی از دستمزد می‌گذراند و سایر وقت-ها را در زندان سپری می‌کند. پیرو ماده ۵۷ قانون فوق: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است». مطابق ماده فوق به گذشت شاکی، جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده، سپردن تأمین مناسب، تعهد به انجام فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح مؤثر است در شمار شرایط استفاده از روش نیمه آزاد قرار گرفته است.

پاسخ سالب آزادی سنتی برای پاسخ‌دهی برخی از کودکان و نوجوانان مورد شناسایی قرار گرفته است. به موجب تبصره یک ماده ۸۸ «تصمیمات مذکور در بندهای(ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است». نظام عدالت کیفری به پیرو تبصره ماده ۸۸ در صورت ارتکاب جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج، می‌تواند اخطار و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم نماید یا پاسخ سالب آزادی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال را در نظر گیرد. همچنین، ماده ۸۹ قانون مجازات برای نوجوانانی که بین پانزده تا هجده سال دارند و مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند پاسخ‌های سالب آزادی را پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۸۹ قانون فوق، نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است مجازات‌هایی در ۵ بند از طیف نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و جزای نقدی خواهند داشت. پیرو تبصره ۲ ماده ۸۹ «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد».

بزهکاری کودکان در دین اسلام

از نظر فقه اسلامی، بر اساس منابع گوناگون از جمله حدیث رفع، کودکان در صورت ارتکاب جرم، از مسئولیت کیفری مبرّا هستند. هم‌چنین به منظور تربیت و تأدیب کودک و بازداشتن او از تکرار رفتارهای ناپسند، به اولیاء و سرپرستان کودک اجازه‌ی تنبیه محدود کودک داده شده است. اما به طورکلی تنبیه کودک باید متناسب با روحیات و محیط اجتماعی کودک باشد و نباید از حد متعارف تأدیب فراتر رود (۸). از این رو، پیامبر اکرم می‌فرمایند، «فرزندانتان را گرامی بدارید و به شایستگی تربیت کنید تا مورد مغفرت قرار بگیرید» (۸). و نیز سیره‌ی پیامبر نشان‌دهنده‌ی گرامی‌داشتن کودکان است (۹). و نیز پیامبر فرموده‌اند که، «کودکان را دوست بدارید و به آنها ترحم کنید» (۱۰). «هر کس فرزندش را ببوسد، خدا برای او پاداش قرار می‌دهد و هر کس فرزندش را خوشحال کند، خدا او را در روز رستاخیز شاد می‌گرداند» (۸). پیرو این موضوع امام علی (ع) فرمودند، «بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید فرزندانتان و مردم با شما به عدل رفتار نمایند» (۱۱). از نظر بسیاری از فقها پدر و سرپرست کودک برای تربیت و اصلاح، حق تنبیه و زدن محدود او را دارند (۱۲)؛ و بسیاری از روایات نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند (۸).

«تأدیب طفل برای جلوگیری از ارتکاب فحشاء و به قصد دادن احسان و کمک به وی برای کسب نیکی‌ها است» (۱۳)؛ بنابراین تنبیه باید توسط ولیّ کودک، به صورت محدود اجراء شود و این امر پیرو رویکرد «پیشگیرانه‌ی» اسلام در رابطه با بزهکاری کودکان است. از نظر فقها «معلم در تأدیب طفل استقلال ندارد، بلکه به اذن ولیّ (سرپرست) او نیاز دارد، زیرا اگر چه ممکن است معلم از تأدیب، قصد خیر و ترفیع

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

درجه‌ی کودک را داشته باشد، ولی چه بسا پدر این گونه نیندیشد و راضی نباشد که فرزندش را کتک بزنند تا علم بیاموزد» (۱۴).

پیرامون مسئولیت کودک، امام علی (ع) می‌فرمایند، «قلم تکلیف و مؤاخذه از کودک برداشته شده است تا زمانی که به حد بلوغ برسد» (۱۵). و از امام صادق (ع) نقل شده است که، «عمد کودک در حکم خطاست» (۱۶)؛ و نیز پیامبر فرمودند که، «مسئولیت از سه گروه برداشته شده است، کودک تا زمانی که محتلم شود (به بلوغ برسد)، شخص خوابیده تا وقتی که بیدار شود، دیوانه تا جنونش برطرف گردد» (۱۷). صاحب جواهر نیز می‌گوید، «بی هیچ اختلافی، صغیر مادام که به دو وصف بلوغ و رشد نرسد محجور است» (۱۸). آیه ۱۵۲ سوره اعراف نیز، بلوغ اشدّ را به معنای توانایی جسمانی و رشد عقلانی دانسته است (۱۹). شیخ طوسی در تبیان مطرح کرده است، «۱۸ سالگی سن بلوغ اشدّ است زیرا ۱۸ سالگی سنی است که غالباً انسان به بلوغ و کمال عقل می‌رسد» (۲۰). علامه حلی نیز در کتاب تحریر، به اعتبار رشد در کنار بلوغ فتوا داده است. البته، صاحب جواهر، رأی علامه حلی را موجه ندانسته، مگر آنکه مراد از رشد، کمال عقل باشد.

بسیاری از فقهای معاصر بر کفایت بلوغ در اجرای مجازات، اصرار نموده‌اند. با توجه به استفتائات بعمل آمده از مراجع (ارائه‌شده در نرم‌افزار گنجینه آرای فقهی قضایی)، از نظر آیه‌الله مکارم شیرازی «سن قانونی بلوغ پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله‌ها آمده است. تنها برای شمول قوانین جزایی در مورد نوجوانان کم سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در این زمینه احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد، حدود و قصاص مشمول قاعده «درء» (به معنی دفع کردن) است. اما در مورد عناوین ثانویه، چنانچه واقعاً و به طور یقین احراز شود که تعمیم قانون در مورد افرادی که فوق سن بلوغ شرعی و زیر سن ۱۸ سال قرار دارند و سبب وهن اسلام در جهان خارج می‌شود، می‌توان برای آنها تخفیفاتی قائل شد. اضافه بر این، بسیاری از حدود از طریق اقرار اثبات می‌شوند و دست قاضی در این گونه موارد باز است و همچنین، در مورد تعزیرات. از اینها گذشته در مورد قصاص، قضات می‌توانند بعد از

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

صدور حکم، پا در میانی کنند و برای افراد کم سن و سال، به نحوی رضایت مجنی‌علیه را به دست آورند یا آن را تبدیل به دیه یا مادون دیه کنند»؛ آیه الله بهجت نیز ضمن اینکه می‌فرماید: در صورت ثبوت جرم در مواردی که حدی در شرع بر آن مقرر شده، تخفیف و تعطیل حد نیست، توصیه کرده است که در این گونه موارد از طرقی که منجر به اثبات کامل جرم نشود یا از ترغیب ذی حق به عفو، استفاده شود. از نظر آیت الله نوری همدانی نیز «با رعایت دقت و مصلحت، کودک می‌تواند محاکمه شود».

بزهکاری کودکان در میثاق حقوق کودک در اسلام

در ماده ۲ میثاق حقوق کودک در اسلام، آمده است، «حمایت و حفاظت دولت‌ها از کودک در برابر تمامی شکنجه‌ها، مجازات‌های تحقیرآمیز یا غیرانسانی در تمامی وضعیت‌ها و حالت‌ها یا قاچاق، ربودن یا دادوستد او الزامی است». و نیز ماده ۱۹، بند ۲ و بند ۳ مطرح می‌کند که «با کودک محروم از آزادی بایستی به‌گونه‌ای منطبق با شأن او، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی رفتار شود. نیازهای او نیز باید مراعات گردند. کشورهای عضو این میثاق موارد ذیل را رعایت خواهند نمود: کودک محروم از آزادی بایستی به واسطه نگهداری در مکان‌های ویژه کودکان بزهکار، از بزرگسالان جدا شود. کودک بایستی به طور مستقیم و بلافاصله به‌محض دستگیری یا احضار، از اتهامات وارده علیه خود اطلاع یابد و از والدین، قیم یا وکیل وی دعوت به عمل آید تا او را همراهی نمایند. در صورت نیاز کمک‌های حقوقی و بشردوستانه شامل دسترسی به یک وکیل و درصورت لزوم یک مترجم برای کودک فراهم شود. رسیدگی سریع به دعوی توسط یک دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان با امکان تجدیدنظر در رأی صادره توسط یک دادگاه بالاتر در زمانی‌که کودک محروم شود. هیچ کودکی نبایستی ملزم به اعتراف به گناه یا ادای شهادت گردد. مجازات بایستی به عنوان وسیله‌ی اصلاح و مراقبت به منظور احیاء کودک و بازگشت مجدد او در جامعه مدنظر قرار گیرد. بایستی حداقل سنی که پایین‌تر از آن نتوان کودک را محاکمه نمود، تعیین شود. احترام به حریم خصوصی کودک طی تمامی مراحل دادخواهی بایستی تضمین شود» (۲۱).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

میثاق حقوق کودک در اسلام با وجود اینکه، جرایم و بزهکاری کودکان را نادیده نگرفته است اما برای رسیدگی به آنها، تأکید و توجه به شرایط کودکان و تلاش برای اصلاح و بازجامعه‌پذیری آنها را در محوریت قرار می‌دهد. محاکمه کودکان بزهکار باید به دور از تحقیر و یا شکنجه سخت باشد و صرفاً به صورت محدود و در جهت تربیت انجام شوند (۲۲). در این راستا تعیین محدوده کودکی و تلاش برای برخورداری کودکان از دادگاه و رویه‌های حقوقی مختص کودکان، باید رعایت شود.

بزهکاری کودکان در کنوانسیون حقوق کودک

ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، در رابطه با ممنوعیت رفتار خشن با کودک بیان می‌کند که «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده جنسی در زمانی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد. این گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم آوردن حمایت‌های لازمه از کودک و کسانی که مسئول مراقبت از وی می‌باشند و نیز حمایت در برابر سایر اشکال محدودیت‌ها و نیز برای پیشگیری، شناسایی، گزارش‌دهی، ارجاع، تحقیق، درمان و پیگیری موارد بدرفتاری‌هایی که قبلاً ذکر شد و نیز بر حسب مورد پشتیبانی از پیگرد قضایی باشد». و نیز، ماده ۳۷ در رابطه با منع شکنجه و برخورداری از عدالت کودکان بزهکار می‌گوید، «کشورهای طرف کنوانسیون اجرای اقدامات ذیل را متقبل می‌شوند: هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد. هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مدت ممکن باید بدان متوسل شد. با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت، به نحوی که نیازهای به خصوص سنی وی در نظر گرفته شود. کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند مگر این که این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی حق دارد با خانواده خود از طرق نامه و ملاقات تماس بگیرد. هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد».

ماده ۴۰ نیز، در رابطه با دادرسی ویژه و عادلانه کودکان بیان می‌دارد که،کودکان بزهکار برای دفاع از خود، حق دارند از رفتار مناسب و مشورت قانونی برخوردار شوند و درحد امکان از اعمال مجازات شدید در مورد آن‌ها پرهیز شود. بر این اساس، بیان می-دارد که « ۱- کشورهای عضو در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسند که با آنان مطابق با شئونات و ارزش کودک رفتار گردد. این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده، سن کودک را در نظر گرفته و با در نظر گرفتن سن کودک، باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد. ۲- بدین منظور و با توجه به مفاد مربوطه اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو خصوصاً موارد ذیل را تضمین می‌نمایند: هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب توسط قانون ملی یا بین‌المللی منع نشده، متهم یا گناهکار شناخته شود. هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود: ۱- بی‌گناه شناخته شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت بشود.۲- اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده بر علیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیم قانونی، و (حق) داشتن مشاوره حقوقی یا سایر کمک‌ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه. ۳- روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی‌طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمک‌های حقوقی، مگر این که این امر در جهت منافع

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت و یا والدین و یا قیم قانونی کودک. ۴- مجبور نبودن به دادن شهادت و یا اظهار تقصیر و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت و بررسی اظهارات شاهدان وی در شرایط مساوی. ۵- دسترسی به مقام یا ارگان قضایی ذیصلاح، بی‌طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون در صورت مجرم شناخته‌شدن ۶- حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد. ۷- محرمانه بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی. ۳- کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین و مقررات و تأسیس مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری باشند، تلاش خواهند کرد و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت: قائل شدن حداقل سن برای نقض قانون کیفری به نحوی که زیر این سن، کودک فاقد مسئولیت کیفری باشد. در صورت تناسب و تمایل، وضع مقرراتی در جهت رفتار با این‌گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی، به شرطی که حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شود. ۴- تأمین مسائلی از قبیل مقررات نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره، تعلیق مجازات، فرزندخواندگی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین این که با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتکابی آنها خواهد شد».

بنابراین، بر اساس الگوی کنوانسیون، کودکان بزهکار باید با رویکرد اصلاح و بازجامعه‌پذیری در داگاه مخصوص اطفال مورد محاکمه قرار گیرند و تا حد ممکن از مجازات سنگین از جمله زندان و یا تنبیه سخت کودکان خودداری شود. کودک بزهکار در فرآیند اصلاح باید از امکانات مورد نیاز و برخورداری از متخصص حقوقی، تشکیل دادگاه مختص اطفال، ارتباط با والدین و رعایت احترام، برخوردار باشد.

نتیجه‌گیری

همانطور که در تحلیل جداگانه پیرامون مقایسه چهار حوزه‌ی قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک مطرح شد،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

مواجهه با کودکان بزهکار در هر چهار حوزه تقریباً یکسان است. هر چند که سه حوزه مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام، با محوریت شریعت اسلام بخصوص تشیع مطرح شده‌اند و ریشه‌های آنها در دین اسلام نهفته است؛ و در برابر آنها نیز کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک امر بین‌المللی بر اساس اعلامیه حقوق بشر و باور به اومانیسم تدوین شده است اما در رابطه با چگونگی مواجهه با بزهکاری کودکان، بسیار نزدیک عمل می‌کنند و نقاط اختلاف معناداری در بین رویه‌های آنها نیست. هر چهار حوزه، کودک را فاقد قدرت تصمیم‌گیری دقیق برای عمل دانسته و بزهکاری او را در قالب یک «خطا»ی معمول در جریان رشد او می‌پندارند. تا حد امکان کودک باید بخشیده شده و خطای او نادیده گرفته شود؛ انجام این عمل نیز باید جنبه‌ی اصلاحی و بازجامعه‌پذیری داشته باشد که باید در درون خانواده کودک و توسط والدین و یا سرپرستان قانونی کودک انجام شود. در صورتی که بزهکاری کودک مثل صدمه به دیگری، جزیی و محدود نباشد، و نقض حقوق دیگران را به دنبال داشته باشد، هر سه حوزه، تلاش برای حداقل مجازات و تعیین مجازات در راستای اصلاح و بازجامعه‌پذیری را تأکید می‌کنند که برای داوری در مورد عمل کودک و تعیین مجازات و نیز دفاع از کودک و اجرای مجازات؛ نیاز به ساختارها و رویه‌های ویژه و مناسب کودکان از جمله دادگاه اطفال، قضات اطفال، وکیل اطفال، قوانین و مقررات متناظر به اطفال، کانون‌های اصلاح و تربیت و... مورد تأکید قرار گرفته‌اند. موضوع رعایت سلامت جسمی و روحی- روانی کودک در جهت اصلاح کودک و عدم بازتولید یا تداوم رفتار نابهنجار و بزهکاری در کودک در همه‌ی فرآیندهای قضاوت و صدور حکم، مجازات و اصلاح باید رعایت گردد. در این موارد همانطور که ذکر شد هیچ تفاوت معناداری در بین چهار حوزه قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک، وجود ندارد. تنها نقطه ایجاد تفاوت در تعریف کودک و بازه سنی آن است که مخاطبان اجرای قواعد مربوط به مواجهه با بزهکاری کودکان را متفاوت می‌کند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

بازه‌ی سنی کودکان در کنوانسیون از بدو تولد تا ۱۸ سالگی است و در قوانین و مقرّات اسلام و حقوق ایران در مجموع از تشکیل نطفه تا ۱۸ سالگی است که این بازه نیز با تقسیمات متفاوتی مواجه است. در کنوانسیون قواعد مربوط به عمل در رابطه با کودکان از جمله قواعد مرتبط با بزهکاری کودکان برای همه افراد از بدو تولد تا ۱۸ سالگی یکسان است. اما در سه حوزه قوانین و مقررات ایران، دین اسلام، میثاق حقوق کودک در اسلام، که مبتنی بر شریعت اسلامی هستند، قواعد مرتبط با بزهکاری کودکان، از زمان تشکیل نطفه تا ۱۸ سالگی یکسان نبوده و در مجموع به چهار دوره، پیش از تولد، تولد تا ۶ سالگی، ۶ سالگی تا بلوغ (۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران) و بلوغ تا ۱۸ سالگی، تقسیم می‌شود که نوع قواعد حقوقی و نحوه اعمال و اجراء آن‌ها نیز متفاوت است. این موضوع هر چند پیامدهای چون سختگیری بیشتر به کودکان بعد از بلوغ را به دنبال دارد؛ اما توجه به شرایط کودکان متناسب با هر دوره از زندگی را بیشتر نموده و الزام رعایت حقوق دیگران توسط کودکان به بلوغ رسیده یا نوجوانان را بیشتر می‌نماید که خود ایجاد بازدارندگی برای عدم تخلف کودکان را به همراه دارد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

References

1. Moazami Sh. Juvenile delinquency. Tehran: Dadgostar Publishing; 2009. p.17-55.

2. Mohammadi Asl A. Juvenile delinquency and theories of social deviation. Tehran: Alam Publishing; 2006. p.11-41.

3. Shaban M. Child Sociology in Iran. PhD Dissertation. Tehran Iran: Faculty of Social Sciences, Tehran University; 2020.

4. Abbasi M, Shaban M, Mirabi P. Introduction to the Rights of the Child. Vol. I. of the Child Rights. Tehran: National Authority for the Convention on the Rights of the Child; 2021.

5. Golduzian I. Explanation of the Islamic Penal Code, Tehran: Majd Publishing; 2017.

6. Niazpour AH. Criminal Law of Children and Adolescents: The Process of Responding to Juvenile Delinquency. Tehran: Mizan Publishing; 2014. p.186.

7. Ebadi Sh. Children's rights: A look at children's legal issues in Iran. Tehran: Kanoon Publishing; 1996.

8. Hurr Ameli M. Wasa'il Al-Shia. Tehran: Islamic Publishing; 1997. Vol. 15. p.194-197.

9. Kashani F. Mohjat-al-Beyza fi Tahzib Al-Ahya. Qom: Publication of the Society of Teachers; 2004. Vol. 3. p. 366.

10. Hurr Ameli M. Wasa'il Al-Shia. Tehran: Islamic Publishing; 1997. Vol. 12. p. 183.

11. Majlesi MB. Bahar Al-anvar. Tehran: Vali-e-Asr Mosque Library Publishing; 1984. Vol. 23. p. 113.

12. Najafi MH. Jawaher Al-Kalam fi Sharh Sharaye Al-Islam. Qom: Islamic Library; 2009. Vol. 21. p. 389.

13. Najafi MH. Jawaher Al-Kalam fi Sharh Sharaye Al-Islam. Qom: Islamic Library; 2009. Vol. 41. p. 444.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]

14. Golpayegani MR. Al-Dorr Al-Manzoud Fi Ahkam Al-Hudood. Qom: Nashr Dar Al-Quran Al-Karim; 1993. Vol.2. p. 286.

15. Hurr Ameli M. Wasa'il Al-Shia. Tehran: Islamic Publishing; 1997. Vol.1. p. 32.

16. Hurr Ameli M. Wasa'il Al-Shia. Tehran: Islamic Publishing; 1997. Vol.19. p. 307.

17. Nouri H. Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. Beirut: Al-Al-Bayt Institute Publishing; 1988. Vol.1,18.

18. Najafi MH. Jawaher Al-Kalam fi Sharh Sharaye Al-Islam. Qom: Islamic Library; 2009. Vol. 26.

19. Tabarsi F. Majma‘ al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Al-Ma'rifah Publishing; 1988. Vol. 2. p. 420.

20. Tusi M. Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran. Qom: Islamic Publishing Foundation; 1993. Vol. 4. p. 316.

21. Kazemi A. Selection of International Documents on the Rights of the Child. By the efforts of Vahid Hedayati and Shahnaz Cheragh. Tehran: Khorsandi Publishing; 2015.

22. UNICEF. Investing in the Children of the Islamic World. Unicef; 2005. p.37.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-17]